

فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان  
سال هفتم شماره بیست و پنجم، زمستان ۱۳۹۴ (صص ۱۲۰-۱۰۹)

## روابط فرهنگی و مذهبی پارسیان هند با زرتشتیان ایران

ملیکا حیدری\*

دکتر رضا مهر آفرین\*

### چکیده

چگونگی تداوم کیش باستانی زرتشتی تا کنون، با وجود موانع و مشکلات بیشماری که در دوره های مختلف پیش روی پیروان این کیش بوده، به خصوص پس از فروپاشی حکومت ساسانیان قابل تأمل است و بررسی روابط زرتشتیان پس از ورود اسلام به ایران، می تواند در این مورد راهگشا باشد. این پژوهش می کوشد تا ضمن بررسی روابط فرهنگی و مذهبی بین پارسیان هند و زرتشتیان ایران، چگونگی روابط بین آنها را تبیین و به فواید این ارتباطات برای پیروان این کیش در هند و ایران و نیز پیامدهای آن اشاره نماید. مطالعات نشان می دهد که پارسیان هند با زرتشتیان ایران بطور پیوسته در ارتباط بوده اند. البته گاهی بنا بر اوضاع متشنج داخلی یا سیاسی حاکم بر فضای دو کشور، این دو جامعه ی دینی از حال یکدیگر بی خبر می ماندند؛ اما به محض آرامش اجتماعی و سیاسی، مراودات آنان در زمینه های مختلف آغاز می گردید. روابط فرهنگی و مذهبی این دو جامعه که در ابتدا برای کمک به پارسیان هند شکل گرفت؛ در دوره های متأخر برای کمک به زرتشتیان ایران ادامه یافت و این روند موجب گردید تا این دین کهن و شگواکان هویت و اصول مسلم خود را حفظ نماید. روش پژوهش حاضر، از نوع تحقیقات تاریخی است که بر اساس آن مدارک و اطلاعات مکتوب از منابع معتبر گردآوری و آن گاه با استدلال قیاسی و تحلیل های منطقی به نتایج علمی و معتبر دست می یابد.

**واژگان کلیدی:** پارسیان هند، زرتشتیان ایران، روابط مذهبی، انجمن های زرتشتیان.

\*Email: [r.mehrafarin@umz.ac.ir](mailto:r.mehrafarin@umz.ac.ir)

\*Email: [mheydari2013@yahoo.com](mailto:mheydari2013@yahoo.com)

تاریخ پذیرش: ۹۴/۲/۲۶

دانشیار باستانشناسی دانشگاه مازندران

کارشناس ارشد باستانشناسی دانشگاه مازندران

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۲

## ۱- مقدمه

پس از حمله ی اعراب به ایران وسقوط ساسانیان، کیش زرتشت که همواره دین رسمی کشور بود، دچار انحطاط و تزلزل شدیدی شد. فشارهایی که از سوی اعراب به زرتشتیان برای پذیرش اسلام یا پرداخت جزیه وارد می شد؛ تعدادی از آنان را برای رهایی از وضعیت موجود، رهسپار سرزمین های دیگر نمود. مناسب ترین مکان برای مهاجرین پارسی، سرزمین هندوستان بود زیرا فرهنگ و تمدن هندو با فرهنگ و دین ایشان نکات مشترک فراوانی داشت و از سوی دیگر هندوستان با مذاهب فراوان، کانون ادیان مختلفی بود که به گونه ای مسالمت آمیز در کنار یکدیگر زندگی می کردند.

## ۱-۱ بیان مسأله و سوالات تحقیق

مهاجرت به منظور بهبود اوضاع و رهایی از وضعیتی دشوار به امید شرایطی بهتر صورت می گیرد. در قرون اولیه اسلامی، گروهی از زرتشتیان برای رهایی از فشار اعراب و حفظ جان و دینشان، سرزمین مادری خود را ترک گفتند. برخی از این مهاجران، هند را برای سکونت برگزیدند که ما امروزه آن ها را با نام پارسیان هند می شناسیم. اینان پس از گذشت چند سده، با بروز مشکلاتی جدید در رابطه با چگونگی برگزاری آداب و رسوم خود- که ناشی از سال ها دوری از وطن و پراکندگی در سواحل هند بود، نماینده ای رهسپار ایران کردند تا علاوه بر آگاهی از حال برادران دینی خود در ایران، با بهره گیری از کمک ها و رهنمودهای هم کیشانان، بر مشکلات مذهبی موجود فایق آیند. از این رو نماینده ی پارسیان هند در سال ۸۴۶ یزدگردی (۸۸۲ هجری قمری) وارد ایران شد. این سفر، آغاز رابطه ای گردید که تاکنون ادامه دارد و اگر چنانچه کمک های متقابل زرتشتیان ایران و پارسیان هند نمی بود، با وجود مشکلات عدیده ای که برای این کیش باستانی در ادوار مختلف پدید می آمد، هم اکنون چندان اثر قابل توجهی از آن برجای نمی ماند. پرسش اصلی این است که روابط فرهنگی- مذهبی زرتشتیان با پارسیان هند چگونه توانست به حفظ کیش زرتشتی کمک کند؟ و دیگر اینکه نقش کدام یک از طرفین رابطه در این خصوص تأثیرگذارتر بوده است؟

**۲-۱ اهداف تحقیق**

شناخت عوامل موثر و کاربردی بر نظام اجتماعی محدود و بسته زرتشتیان ایران که در ادوار مختلف سده‌های مورد بحث از تعدادشان روزبه‌روز کاسته می‌شد و هم چنین دریافت امتیازات و عوامل منفی ایجاد ارتباط دوسویه بین آن‌ها و پارسیان هند از جمله اهدافی است که همچنان در پی حل آنها هستیم.

**۳-۱ روش تحقیق**

برای پاسخگویی به سوالات و اهداف مذکور از روش تحقیقات تاریخی استفاده شد که بر اساس آن مدارک و اطلاعات مکتوب تاریخی و اسنادی از منابع معتبر و حتی المقدور دست اول گردآوری گردید. پس از مطالعه و تجزیه و تحلیل این اطلاعات و مشخص ساختن هم‌راستایی فرهنگی و برهم‌کنش‌های فرهنگی دو تمدن زرتشتی ساکن در ایران و دیگری در هند، با یک استنتاج قیاسی به نتیجه‌گیری پرداخته شد.

**۴-۱ پیشینه تحقیق**

ایران و هند از عهد باستان، روابط گوناگونی با یکدیگر داشته‌اند و این روابط مختص زرتشتیان این دو کشور در دوره اسلامی نبوده است. در این رابطه آثار مختلفی از جمله: «روابط ایران و هند در عهد باستان» به قلم علاءالدین آذری (۱۳۵۰)، «روابط هند قدیم و ایران باستانی» تألیف علی اصغر حکمت (۱۳۳۷)، «روابط ایران و هند بر مبنای روایات ملی آریایی‌های مشرق به ویژه شاهنامه فردوسی» نوشته مهدی غروی (۱۳۵۴) و بسیاری دیگر در این زمینه منتشر گردیده است. این پژوهش‌ها به بررسی روابط فرهنگی ایران و هند در دوره‌های مختلف تاریخی و پیش از تاریخی پرداخته‌اند و ماحصل این مطالعات، نشان دهنده‌ی ارتباطات و تأثیرات فرهنگی متقابل میان فلات ایران و شبه قاره هند است. که دامنه‌ی این ارتباطات تاریخی از هزاره‌ی سوم پیش از میلاد تا دوره ساسانیان را در بر می‌گیرد.

پژوهش حاضر با موضوع روابط پارسیان هند و زرتشتیان ایران با رویکرد فرهنگی-مذهبی پژوهشی مستقل است، موضوعی که می‌تواند با بسط در دوره‌های مختلف تاریخی به شناخته شدن کیش زرتشتی باستانی کمک شایان توجهی نماید. این پژوهش با مطالعه‌ی چگونگی روابط فرهنگی و مذهبی زرتشتیان ایران و پارسیان هند، مهاجرت زرتشتیان به هند را یکی از مفیدترین فعالیت‌های صورت گرفته برای حفظ دین زرتشت می‌داند. هم‌چنین با توجه به همبستگی و مهری که زرتشتیان نسبت به برادران دینی خود دارند، ارتباط بین این دو جامعه، به خصوص هنگامی که هر گروه در خطر نابودی قرار می‌گرفت، بسیار کارآمد بود. در واقع ماندگاری کیش زرتشتی پس از سقوط ساسانیان تا به امروز، مدیون همین ارتباطات مداوم و دوسویه است.

### تاریخچه پارسیان هند

تاریخ پارسیان هند به روشنی آشکار نیست و همچنان در پس پرده‌ای از ابهام قرار دارد. ایران و هند از کشورهای باستانی جهان به‌شمار می‌روند که از دیرباز، روابط فرهنگی و تجاری گسترده‌ای میان آن‌ها برقرار بوده است. به احتمال فراوان در دوره ساسانیان زرتشتیان در هند اقامت داشته‌اند. زیرا مرزهای سیاسی ایران در ادوار پیش از اسلام همواره به سند می‌رسید. در کتیبه‌های پادشاهان هخامنشی از هند به عنوان یکی از ساتراپی‌های آن‌ها یاد شده است. معبد سکایی تاکسیلا از دوره اشکانیان در ۳۵ کیلومتری اسلام‌آباد، پایتخت پاکستان از نمونه‌های بارز نیایشگاه‌های زرتشتی در سواحل سند است (مهرآفرین، ۱۳۸۹: ۱۳۸-۱۳۷). قدیمی‌ترین سند مکتوب در خصوص مهاجرت زرتشتیان به هندوستان در دوره اسلامی، رساله‌ی مختصری به نظم فارسی معروف به قصه‌ی سنجان (sanjan) است که در اوایل قرن هفدهم میلادی سروده شده (زینالی و کبیری، ۱۳۹۰: ۱۸۲) و هم‌چنان به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع در این زمینه، توسط محققان مورد مطالعه و تحلیل قرار می‌گیرد. پس از سقوط ساسانیان، ایرانیان به مدت بیش از صد سال هم‌چنان با اعراب در ستیز بودند. گروهی از آن‌ها که توان ستیز نداشتند و نمی‌توانستند جزیه (مالیاتی که از غیر مسلمانان اهل کتاب می‌ستاندند) پرداخت کنند، برای نگهداری از جان و آیین کهن خود به کوه و بیابان روی آوردند. چنان که تا سالیان متمادی کوه‌های خراسان پناهگاه این آوارگان بود؛ تا این‌که آن مکان نیز به تصرف اعراب درآمد. زرتشتیان پس از آن به جزیره هرمز رفتند و چون در آن‌جا نیز در امان نبودند با کشتی رهسپار هند شدند. این مهاجرین ابتدا در جزیره‌ای به نام دیب (جزیره‌ای در دریای

عمان در جنوب شبه جزیره کاتیوار) لنگر انداختند و تا نوزده سال در آن مکان ماندند و پس از آن با کشتی راهی هند شدند. آنگاه در ساحل غربی شبه جزیره هندوستان، گجرات (Gujarat)، از کشتی پیاده شدند و از حکمران هندوی آن محل که «جادی رانا» (Jadairana) نام داشت، اجازه اقامت خواستند که با شرایطی درخواست آنان مورد موافقت قرار گرفت. پارسیان به تدریج آن محل را آباد نموده و سنجان نامیدند (آذرگشسب، ۱۳۵۸: ۵۹). زرتشتیان به حکمران هندی پنج تعهد دادند، که چنین است: دین خود را توضیح بدهند ولی برای گرویدن مردم بومی به آن نکوشند؛ سلاح‌های خود را تحویل دهند؛ زبان گجراتی بیاموزند؛ مراسم ازدواج خود را بعد از غروبگاهان انجام دهند و سرانجام زنان آن‌ها به جای لباس ایرانی، لباس هندی بپوشند. پارسیان در عین حال که دین خود را در هند حفظ نمودند، به تعهدات خویش نیز وفادار ماندند (خورشیدیان، ۱۳۸۴: ۱۱۱). سنجان که نخستین اقامتگاه پارسیان در هند بود با تلاش و پشتکار زرتشتیان به شهری بزرگ و ثروتمند تبدیل شد. آنان در سنجان زندگی مرفه و راحتی داشتند و جمعیت آن‌ها به تدریج رو به فزونی نهاد. بعد از چند سده عده‌ای از آن‌ها به شهرهای دیگر هند مهاجرت کردند (آذرگشسب، ۱۳۵۸: ۶۳). پس از استیلای انگلیس، جمعیت عمده‌ی پارسیان به بمبئی نقل مکان نمود. هر چند جمعیت آن‌ها در این شهر نسبت به هندوان در اقلیت بود؛ ولی سهم بزرگی در پیشرفت و توسعه‌ی اقتصادی و فرهنگی آن شهر داشتند. چنان‌که تعدادی از آنان از سرمایه‌داران و تجار بزرگ و درجه اول هند بشمار می‌رفتند. پارسیان در آغاز ورودشان به هندوستان به کشاورزی پرداختند، سپس به کار نساجی و هم اکنون به کارهای عمده‌ی تجاری و صنایع اشتغال دارند (پورداوود، ۱۲۹۵ یزدگردی؛ ۱۹۳۸م: ۲۴-۲۳).

#### روابط پارسیان هند با زرتشتیان ایران

پارسیان از آغاز مهاجرت به هند تا کنون، در زمینه‌های مختلفی با زرتشتیان ایران رابطه و مراد داشته‌اند. در ادوار مختلفی که وضعیت جامعه‌ی زرتشتیان ایران و پارسیان هند دگرگون می‌شد، با توجه به شرایط موجود و نیز نیازهای پیش رو، روابطی بین آن‌ها صورت می‌گرفت. این روابط را می‌توان در سه دوره زمانی مختلف مورد بررسی قرار داد:

۱- از آغاز مهاجرت زرتشتیان به هند تا حمله‌ی مغولان به ایران

۲- از آغاز دوران صفوی تا عصر قاجار

۳- از عصر قاجار تا دوره‌ی پهلوی

### روابط زرتشتیان ایران و پارسیان هند (از آغاز مهاجرت تا حمله‌ی مغول به ایران)

پس از مهاجرتی که شرح آن رفت، به تدریج گروه‌های دیگری از نواحی مختلف ایران روانه هندوستان گردیدند و رابطه‌ی پارسیان هند و زرتشتیان ساکن ایران تداوم یافت. پارسیان با ورود به سنجان برای تقدیس آتش بهرام که در آنجا برافروختند و به آتش ایرانشاه معروف بود، چند نفر را به خراسان فرستادند تا ابزار لازم را برای انجام مراسم با خود به سنجان بیاورند. به همراه این عده، گروهی دیگر از زرتشتیان نواحی شرق ایران به هند رفتند (پوردوود، ۱۲۹۵ یزدگردی: ۶). از این که این گونه ارتباطات بین آن‌ها و زرتشتیان تا چه زمانی برقرار بوده، اطلاعی در دست نیست. تنها می‌دانیم که برای مدتی نامعلوم تا قبل از ۸۴۶ یزدگردی (۸۸۲ هجری قمری) از اوضاع یکدیگر بی‌خبر بوده‌اند. درنامه‌ای که از ایران به هند نوشته شده، آمده است که: «... آن بزرگواران را اعلام آنکه تا ایام عرب گذشته و ایام ترک درآمده این فقیران را معلوم نبوده که در ممالک هند، بهدینان مانده‌اند یا نه. تا قبل از سی و پنج سال از این تاریخ، بهشت بهر نریمان هوشنگ متوجه اینجانب شد...» (شهمردان، ۱۳۶۳: ۲۶۶) و از این تاریخ به بعد مکاتباتی بین آنها صورت گرفته است.

### روابط زرتشتیان ایران و پارسیان هند (از آغاز دوران صفوی تا عصر قاجار)

در سال ۸۴۶ یزدگردی (۸۸۲ هجری قمری) شخصی به نام نریمان هوشنگ از سوی پارسیان به یزد- که در آن زمان مرکز مذهبی زرتشتیان و محل زندگی موبد موبدان بود- رهسپار شد و زرتشتیان را از اوضاع پارسیان و تعداد آن‌ها مطلع ساخت. پارسیان در آن زمان به واسطه‌ی زندگی در کشوری بیگانه و تماس با غیر زرتشتیان، دچار نوعی ضعف و انحطاط در زمینه‌ی اطلاعات مذهبی شده بودند. از این رو، برای حل این مشکل و بازیابی اطلاعات درباره کیش راستین زرتشتی، نریمان هوشنگ را راهی ایران کردند (آذرگشسب، ۱۳۵۸: ۹۷-۹۵). نریمان هنگام ورود فارسی نمی‌دانست، یک سال در یزد ماند و به داد و ستد و تحصیل فارسی پرداخت، سپس پاسخ پرسش‌های خود را از موبدان دریافت کرد و مسائل دینی و مراسم را عملاً آموخت. موبدان ایرانی مسائل مهم دینی را از روی محافظه کاری به زبان پهلوی می‌نوشتند ولی نریمان از آن‌ها خواست که نامه را به پهلوی ننویسند، چرا که پارسیان پهلوی نمی‌دانستند. این نامه که در سال ۸۴۷ یزدگردی نگاشته شد به جای زبان پهلوی به زبان پارسی اما با الفبای اوستایی نوشته و ارسال گردید. موبدان ایرانی در آن نامه از بزرگان پارسی درخواست کرده بودند که: «برای آموختن خط پهلوی و روش درست برگزاری مراسم مذهبی، دو هیرید دانا بیابند، خط پهلوی بیاموزند و شایسته ناشایست بدانند. در راه خشکان نزدیک است و از فندهار تا سیستان نزدیک است و از سیستان تا یزد از این بیم نیست»

(شهمردان، ۱۳۶۳: ۲۶۱-۲۶۰). از آن سال تا سال ۱۱۳۷ یزدگردی -۱۱۸۲ هجری قمری- پیکه‌هایی حامل نامه‌های پارسیان از هندوستان به ایران آمدند و با آموزش‌های پیاپی به هند برگشتند (بهرامی، ۱۳۶۹: ۳). نامه‌ها در خانه‌ی کلانتر، فردی که برای اداره‌ی امور زرتشتیان از بین آنان و با نظر دولت انتخاب می‌شد، به وسیله‌ی موبدان و با حضور او پاسخ داده می‌شد و همه‌ی موبدان و کلانتر و بسیاری از بهدینان متنقد آن را امضاء می‌کردند. آنان نام بهدینان و موبدان شهرهای دیگر را هم ذکر می‌نمودند (شهمردان، ۱۳۶۰: ۱۳۷). مطالب این نامه‌ها بعدها جمع‌آوری و در کتابی به نام «روایات داراب هرمزدیار» و «روایت هرمزدیار فرامرز» منتشر شد. مضمون این نامه‌ها مذهبی بود و از این طریق پارسیان سوالات دینی خود را از هم‌کیشان ایرانی‌شان می‌پرسیدند و موبدان زرتشتی که در کرمان و یزد، به خصوص روستاهای شریف‌آباد و ترک‌آباد اقامت داشتند با اشتیاق به آن‌ها جواب می‌دادند. موبدان ایرانی همراه با نامه‌هایی که برای پارسیان نوشتند و مسائل مذهبی را برای آن‌ها حل کردند؛ کتب دینی و رساله‌های فراوان مذهبی و بسیاری از نیرنگ‌ها (اذکار و اوراد) را نیز برای آنان فرستادند (شهمردان، ۱۳۶۳: ۱۰۰). در عوض پارسیان هند که زرتشتیان ایرانی را پاسداران سنت‌های کیش خود در سرزمین نیاکانشان می‌دانستند، به آنان کمک مالی می‌نمودند. نمونه‌ای از این نگرش که به ثبت رسیده، کمک‌های مردمان گجرات است که برای موبدان ایرانی پول می‌فرستادند تا برای روان آنان مراسم مذهبی برگزار کنند، زیرا بر این باور بودند آیین‌هایی که در ایران برگزار می‌شود، کارایی بیشتری دارد (بویس، ۱۳۸۶: ۲۹۱). در قرون ۱۵ تا ۱۷ میلادی، پارسیان در مسائل مذهبی، شاگردان زرتشتیان ایران محسوب می‌شدند و ایرانیان با محبت آن‌ها را راهنمایی می‌کردند. هنگامی که در قرن هیجدهم میلادی وضع زرتشتیان ایرانی بسیار سخت‌شد، دامنه‌ی ارتباط بین این دو جامعه به حداقل ممکن رسید. اما در همین قرن بود که از کرمان موبدی با نام «جاماسب ولایتی» برای راهنمایی موبدان به سورات هندوستان اعزام شد. این موبد در سورات ( Surat) متوجه گردید که تقویم مذهبی زرتشتیان هند یک ماه از تاریخ تقویم زرتشتیان ایران عقب‌تر است. از آنجایی که بسیاری از مراسم مذهبی به تقویم و تاریخ وابسته است، این مسئله اهمیت فراوانی داشت. پس از مدتی برخی از موبدان سورات، تقویم ایرانی را پذیرفتند و یکی از موبدان را با نام ملا کاووس برای تحقیقات بیشتر به ایران فرستادند که این شخص پس از مراجعت به هندوستان در بمبئی شعبه‌ی مذهب جدیدی معروف به «قدیمی» که پیروان تقویم قدیمی یا ایرانی بودند بنیاد نهاد. این دسته نه تنها تابع تقویم زرتشتیان ایران گردیدند، بلکه به پیروی از آداب، رسوم و عبادات زرتشتیان ایران پرداختند که در فروع و جزئیات با اعتقادات و رسوم

پارسیان هند متفاوت بود. قدیمی‌ها فقط در سورات و بمبئی نفوذ یافتند و زرتشتیان گجرات به تقویم و رسوم و عقاید دیرینه خود پا برجا باقی ماندند (کای‌بار و دیگران، ۱۳۸۴: ۱۴۴-۱۴۳). هر چند عمده‌ی تلاش‌ها با هدف کسب معارف دینی از سوی پارسیان صورت می‌گرفت، اما این موضوع به مفهوم ارتباطی یک جانبه و دینی نبود، چنان‌که مطابق نامه‌ای مربوط به سال ۸۷۸ یزدگردی (۹۱۵ هجری قمری) در این سال چهار نفر از زرتشتیان ایران به قصد بازرگانی راهی هند گردیدند (تشکری و کجیاف، ۱۳۸۷: ۱۶۸).

### روابط زرتشتیان ایران و پارسیان هند (از عصر قاجار تا دوره‌ی پهلوی)

از اواخر قرن هجدهم میلادی توجه پارسیان به شرایط زندگی زرتشتیان ایران به طور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. یکی از عوامل این توجه، گزارش‌هایی بود که درباره‌ی وضعیت اسفناک زرتشتیان ساکن یزد و کرمان توسط جهانگردان غربی منتشر می‌گردید. با عزل امیرکبیر در سال ۱۲۶۸ هجری قمری، حساسیت حکومت به وضعیت اقلیت‌ها، هم‌پای دیگر اصلاحات امیرکبیر، رنگ باخت؛ اما در این میان نقش آفرینی «انجمن اکابر پارسیان»، فصل نوینی را در حیات اجتماعی زرتشتیان ایران گشود. انجمن مذکور در سال ۱۲۷۰ هجری قمری فردی به نام مانکجی لیمجی هاتریا (Manekjilimji Hateria) معروف به مانکجی صاحبیه را به ایران فرستاد تا ضمن معاشرت با همکیشان، از نحوه‌ی معیشت و مشکلات آن‌ها اطلاعاتی کسب کند (تشکری، ۱۳۹۱: ۳۱). مانکجی به محض ورود به ایران، به یزد و کرمان سفر نمود، به احتیاجات زرتشتیان رسیدگی و به مستمندان کمک مالی کرد. عده‌ای از جوانان زرتشتی را از یزد و کرمان با خرج خود به تهران برد، در آنجا مدرسه‌ای تأسیس نمود و به آن‌ها تعلیم داد. پس از چند سال که این جوانان تعلیمات مذهبی و معلومات آن زمان را آموختند، مدرسی در یزد و کرمان بنا کرد و آنان را به امر تدریس با حقوق کافی گمارد (آذرگشسب، ۱۳۵۸: ۱۰۳-۱۰۱). مانکجی برای تأمین رفاه زرتشتیان ایران تلاش بسیار کرد. آتشکده‌ها و دخمه‌ها را مرمت و برخی را نیز از نو ساخت. زیارتگاه زرچوع (پارس بانو) در حوالی یزد را تعمیر نمود. زرتشتیان با اینکه در مذهب آنان کشتن گاو حرام است، گاو را نذر و در آن زیارتگاه ذبح می‌کردند. هاتریا لوحی نگاشت و در همان زیارتگاه نصب کرد و در این لوح ذبح گاو را ممنوع و لعنت کرد. در آن زمان زرتشتیان در یزد و کرمان از سدره و کشتی (لباس و کمربند مخصوص زرتشتیان) استفاده نمی‌کردند و مانکجی آن‌ها را تشویق به پوشیدن این البسه نمود و به همه‌ی آنان از پول خود سدره و کشتی داد. زرتشتیان ایران به دلیل سختی‌ها و فشارهایی که بعد از دوران صفوی بر آنان وارد می‌آمد، بسیاری از آداب و رسوم خود را فراموش کرده بودند



و رسوم نکوهیده را که با آیین آنان منافات داشت، اجرا می‌کردند. مانند نپوشیدن سدره و کشتی، طلاق دادن زن، کشتن گاو و ... که مانکجی آداب و رسوم صحیح دین را به آن‌ها یادآوری کرد (شهمردان، ۱۳۶۳: ۶۲۴-۶۲۲). مهم‌ترین کاری که مانکجی برای زرتشتیان ایران انجام داد، برداشتن بار جزیه از دوش آنان بود. مانکجی با همراهی سفیر انگلیس در ایران از ناصرالدین شاه تقاضای لغو جزیه را کرد که بالاخره در سال ۱۲۹۹ هجری قمری فرمان لغو جزیه صادر و از نوروز ۱۲۶۱ خورشیدی (۱۳۰۰ هجری قمری) زرتشتیان ایران از پرداخت جزیه معاف شدند. با کمک و راهنمایی‌های دومین نماینده‌ی انجمن اکابر صاحبان پارسی، «کیخسرو جی خان صاحب»، در اواخر پادشاهی ناصرالدین شاه، انجمنی در یزد در حدود سال ۱۲۷۹ خورشیدی برای رسیدگی به کارهای داخلی زرتشتیان، تحت عنوان انجمن ناصری زرتشتیان یزد بنیان نهاده شد که بعدها به انجمن زرتشتیان یزد تغییر نام داد. انجمنی هم به همین ترتیب با کمک این نماینده در کرمان تشکیل شد (آذرگشسب، ۱۳۵۸: ۱۲۷-۱۲۶). در سال ۱۹۱۸ میلادی در بمبئی، انجمنی با نام «انجمن زرتشتیان ایرانی» به منظور رسیدگی به احتیاجات ایرانیان ساکن بمبئی و کمک در راه بهبود حال برادران خود در ایران تشکیل شد. نخستین اقدام این انجمن، تأسیس درمانگاه و داروخانه‌ی «سر رتن تاتا»، پرورشگاه پسرانه‌ی مارکار و سپس ایجاد هنرستان جهانگیری در شهر یزد بود که هر سه، در آن زمان بسیار لازم و در پیشرفت و آسایش زرتشتیان مؤثر بودند. اقدامات دیگر این انجمن شامل: تأسیسات فرهنگی مارکار در شهر یزد با کمک‌های «پشوتن دوسابای مارکار» که شامل دبستان و دبیرستان پسرانه و دخترانه و احداث برج ساعت می‌باشد، احداث دبستان‌هایی در روستاهای یزد، کمک به چاپ و نشر کتاب‌های مذهبی و غیره بود. نماینده‌ی این انجمن در ایران «سروش لهراسب» بود (لهراسب، ۱۳۳۵: ۲۵-۹).

نتیجه

زرتشتیانی که برای رهایی از ظلم و فشار اعراب مجبور به ترک سرزمین خویش شدند، سرزمین‌هایی را انتخاب کردند که با فرهنگ آنان نزدیکی داشته باشد. بهترین انتخاب برای آنان، سرزمین هند بود. به این دسته از مهاجرین زرتشتی که در سواحل هندوستان اقامت گزیدند، پارسیان هند گفته شد. زرتشتیان، حمله‌ی اعراب به ایران را مانند حمله‌ی اسکندر می‌دانستند و به این امید که ایران، دیگر بار از زیر یوغ فرمان‌برداری بیگانگان رهایی می‌یابد و آنان بار دیگر می‌توانند به سرزمینشان باز گردند، در همه حال ارتباطشان را با میهن خود حفظ نمودند. از سوی دیگر،

پارسیان پس از سال‌ها اقامت در سرزمین بیگانه و مشکلاتی که در آن سرزمین گریبانگیرشان بود، برخی از کتب و آداب دینی خود را از دست دادند و در برگزاری مراسم عبادی خود دچار سؤالات فراوان گردیدند. در این زمان با آگاهی یافتن از حال برادران زرتشتی خود در ایران، از آن‌ها کمک خواستند و ایرانیان برای کمک، نسخه‌یی از کتاب‌های دینی موجود را برای آنان فرستادند و مراسم مذهبی را به آن‌ها یادآور شدند. سال‌ها پس از این رویداد، همین وضعیت برای زرتشتیان ایران پیش آمد. به دلیل ازدیاد سختی‌ها و فشارهایی که از دوران صفویه تا قاجار بر پیروان زرتشتی در ایران وارد شد، زرتشتیان شمار زیادی از کتاب‌های مذهبی خود را از دست دادند، در برگزاری مراسم مذهبی دچار اشتباه و سردرگمی شدند و وضعیتشان روز به روز اسفناک‌تر می‌شد. در این هنگام بود که پارسیان به یاری آنان شتافتند و با کمک‌های مالی، مذهبی و فرهنگی خود، وضعیت آن‌ها را بهبود بخشیدند. بنا بر این اگر این روابط شکل نگرفته بود و زرتشتیان به یاری پارسیان نمی‌شتافتند؛ جامعه پارسیان اگر هم تداوم می‌یافت، آداب و سنن زرتشتی را نمی‌توانست حفظ کند. از طرف دیگر، اگر پارسیان بعد از آن به دستگیری زرتشتیان ایران نمی‌آمدند، چه بسا که دیگر اثری از این اقلیت مذهبی در ایران وجود نداشت. اما هر دو جامعه با درایت و فداکاری و حفظ روابط مؤثر در حفظ کیش زرتشتی نقشی مهم ایفا نمودند. در این بین به احتمال فراوان مراسم مذهبی پارسیان هند که به طور نامحسوس از فرهنگ هندی تأثیر پذیرفته بود، در مراسم مذهبی زرتشتیان ایران تغییراتی ایجاد نمود که با توجه به از دست دادن برخی کتب مذهبی در آن زمان، تشخیص این تأثیر کار آسانی نبود. برای آگاهی از این موضوع و میزان تأثیری‌پذیری باید به پژوهش‌هایی در این رابطه، در دوره‌های مختلف بپردازیم. با این وجود، روابط دوسویه پارسیان هند و زرتشتیان ایران در دوره‌ای که احتمال انحطاط کامل این کیش می‌رفت، رابطه‌ای مثبت و موجب پایداری زرتشتیان و تداوم کیش باستانی زرتشتی بوده است.

## منابع

۱. آذرگشسب، اردشیر، مراسم مذهبی و آداب زرتشتیان، تهران: انتشارات فروهر، ۱۳۵۸
۲. آذری، علاءالدین، روابط ایران و هند در عهد باستان، بررسی‌های تاریخی، شماره ۴، سال ۶، ۱۳۵۴، صص ۱۴۶-۱۱۱.
۳. بویس، مری، آیین زرتشت کهن روزگار و قدرت ماندگارش، مترجم: ابوالحسن تهامی، تهران: انتشارات نگاه، ۱۳۸۶
۴. بهرامی، احسان، فرهنگ واژه‌های اوستایی، دفتر نخست، تهران: انتشارات بلخ، ۱۳۶۹
۵. پورداوود، ابراهیم، ایرانشاه، بمبئی: انتشارات انجمن زرتشتیان ایرانی، ۱۲۹۵ یزدگردی (۱۹۳۸ میلادی)
۶. تشکری، علی‌اکبر و کجباف، علی‌اکبر، درآمدی بر شرایط اجتماعی زرتشتیان یزد از تأسیس سلسله‌ی صفوی تا پایان پادشاهی شاه‌عباس اول (۱۰۳۸-۹۰۷ ه.ق)، مجله فرهنگ، زمستان ۸۷، صص ۱۸۱-۱۵۵
۷. تشکری، علی‌اکبر، رویکرد حکومت به زرتشتیان در عهد ناصری، تحقیقات تاریخ اجتماعی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره اول، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۵۱-۲۵
۸. حکمت، علی اصغر، روابط هند قدیم و ایران باستانی، مجله دانشکده ادبیات، شماره ۳، سال پنجم، فروردین ۱۳۳۷، صص ۷-۱.
۹. خورشیدیان، اردشیر، فرهنگ زرتشتی: یادواره سه هزار سال فرهنگ زرتشتی، تهران: انجمن زرتشتیان تهران، ۱۳۸۴
۱۰. زینالی، محمدباقر، کبیری، سیدتقی، پارسیان هند در اشعار قصه سنجان، بهارستان سخن (فصلنامه علمی-پژوهشی ادبیات فارسی)، سال هفتم، شماره ۱۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰، صص ۱۹۶-۱۸۱.
۱۱. شهرمدان، رشید، تاریخ زرتشتیان پس از ساسانیان، تهران: انتشارات راستی، ۱۳۶۰
۱۲. شهرمدان، رشید، تاریخ زرتشتیان فرزندگان زرتشتی، تهران: انتشارات فروهر، ۱۳۶۳

۱۳. غروی، مهدی، روابط ایران و هند بر مبنای روایات ملی آریایی‌های مشرق به ویژه شاهنامه فردوسی، بررسی‌های تاریخی، شماره ۳، سال دهم، ۱۳۵۴، صص ۱۱۹-۱۵۴.
۱۴. کای‌بار و آسموسن و بویس، مری، دیانت زرتشتی، مترجم: فریدون وهمن، تهران: انتشارات جامی، ۱۳۸۴
۱۵. لهراسب، سروش، یادنامه پشوتن دوسابای مارکار، بمبئی: انتشارات سازمان جوانان زرتشتی بمبئی و انجمن ایران لیگ، ۱۳۳۵ یزدگردی
۱۶. مهرآفرین رضا، معبد سکایی تاکسیلا، فصلنامه مطالعات شبه قاره، سال دوم، شماره سوم، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۲۳-۱۴۴

